

بخش منطق کتاب المشارع و المطارات سهروردی

حسن سیّد عرب

شهاب‌الدین سهروردی، المشارع و
المطارات (بخش منطق)، تصحیح
مقصود محمدی و اشرف عالی پور،
[بی جا]، حق یاوران

شهاب‌الدین سهروردی،
المشارع و المطارات
(بخش منطق)

تصحیح
مقصود محمدی
اشرف عالی پور

حق یاوران

سه نوشته سهروردی به نام‌های التلویحات اللوحیة و العرشیة و المقاومات و المشارع و المطارات که در مجلد نخست مجموعه مصنفات شیخ اشراق^۱ چاپ شده اختصاص به بررسی و نقد و تحلیل حکمت مشاء دارد. المشارع و المطارات که در منابع و متون تاریخی و فلسفی به زبان‌های گوناگون بیشتر به المشارع مشارع شهرت دارد، مشتمل بر سه بخش است^۲ و تا کنون بخش الهیات^۳ و منطق آن چاپ شده است. کتاب المشارع و المطارات سهروردی بنا بر تقسیمی که سهروردی از مقام حکیمان متأله و باحث در مقدمه حکمة‌الاشراق^۴ کرده از جمله نوشته‌های وی در حوزه بحث و پژوهش فلسفی است. سهروردی در این کتاب، نشان داده که برای تأسیس حوزه فلسفی حکمت اشراق به عنوان دومین طریق فلسفی در تاریخ فلسفه اسلامی پس از حکمت مشاء، در سنت فلسفی دین مبین اسلام که از کندی و فارابی آغاز شده تفکر می‌کند. وی در این کتاب، نظریه عقل مشائیان را نقد کرده و به بحث از «اریاب انواع» پرداخته و این سخن وی نزد محمد علی ابوریان^۵ از نمونه نقدهای سهروردی به حکمت مشاء است که به انگیزه تأسیس حوزه‌های افلاطونی در تاریخ فلسفه اسلامی مطرح شده است. البته باور این سخن به منزله قراردادن سهروردی در سنت فلسفی یونان است که وی با تأکید بر اندیشه نور، مایل به پرهیز از آن است.

سهروردی در مقدمه بخش الهیات، خطاب به کسانی که از آنها با عنوان «یا إخوانی»^۶ یاد می‌کند کتاب را مشتمل بر مباحث و ضوابط بسیار نافع و برگرفته از تأملات فلسفی خود در بررسی حکمت مشاء می‌داند که مطالب آن در منابع دیگر به چشم نمی‌خورد.^۷ قواعدی که سهروردی در این کتاب مطرح کرده به گفته او سودمند بوده و در واقع حاصل تأملات و نکته سنجی‌های اوست. به رغم این تأملات، از حوزه بررسی قواعد مشائیان خارج نگشته است جز این که نکات و لطایفی به سخن آنان افزوده تا از این رو متذکر قواعدی شریف‌تر از آنچه مشائیان گفته‌اند گردد.^۸ سهروردی این کتاب را مشتمل بر مطالب رسا و بسنده‌ای می‌داند که حتی با تأمل در دیگر منابع فلسفی قابل ادراک نیست.^۹ ظاهراً او این کتاب را برای مهارت مخاطبان در علوم بحثی صرف نوشته زیرا به نظر وی اگر

کسی با مطالعه المباحث و المطارحات نتواند در علوم بحثی مهارت پیدا کند قادر نخواهد بود تا از حکمة الاشراق بهره برد.^{۱۰} سهروردی ترتیب مطالعه این کتاب را پیش از حکمة الاشراق و و پس از التلویحات اللوحیة العرشیة می‌داند.^{۱۱} وی در این کتاب، خود را به رعایت ترتیب خاصی در طرح مباحث ملزم نکرده و تمام توجه را معطوف به علمی خاص نمی‌کند؛^{۱۲} زیرا غایت تألیف آن را چیزی جز بحث نمی‌داند.^{۱۳} اما به رغم این خصوصیت، گاه به طرح قواعد و یا مباحثی از دیگر علوم می‌پردازد.^{۱۴} بنا بر توصیه سهروردی مخاطب المباحث و المطارحات پس از سلوک عقلی و اشراقی در آن باید به ریاضت روی آورد. این سخن او مستند به دستورالعمل کسی است که از وی با عنوان «قیم الإشراق» یاد می‌کند.^{۱۵} این ریاضت ظاهراً سالک معرفت اشراق را به معاینه و شهود مبانی اشراق نایل می‌کند تا پس از آن به مبنای امور دست یابد.^{۱۶} در حقیقت سهروردی نخواست تا در این کتاب به نحو کامل از مبانی مشائیان جدا شود.^{۱۷} او معتقد است تفصیل سرّ وی در حکمة الاشراق را باید در المباحث و المطارحات جست.^{۱۸}

بخش منطق کتاب المباحث و المطارحات از مهم‌ترین قسمت‌های سه‌گانه این کتاب است که چاپ هر سه قسمت مجال ارزیابی آن را فراخ‌تر می‌کند. خوشبختانه با چاپ و تصحیح بخش منطق و الهیات تا حدودی افق‌های بررسی این اثر مهم و گرانسنگ منفتح شد. بخش منطق این کتاب از اهمیت فراوانی برخوردار است؛ زیرا سهروردی برای بررسی و نقد حکمت مشاء خود را به قواعد منطق ملزم می‌داند و از این حیث آنچه بیش از همه در بخش منطق به چشم می‌خورد بحث از مغالطات است. قسمت مزبور بخش قابل توجهی از کتاب را به خود اختصاص داده است و مبین این معناست که سهروردی پاره‌ای از آرا حکمت مشاء را از حیث منطقی کشف و به مثابه مغالطه دانسته است. در حقیقت با چاپ بخش منطق المباحث و المطارحات می‌توان سهروردی را فیلسوف کاشف مغالطات دانست. نکته جالب توجه‌تر در این کتاب که از حیث تاریخ منطق اهمیت فراوان دارد این است که سهروردی منطق را جزو میراث فلسفی ایران کهن دانسته است.^{۱۹}

این کتاب حجم نسبتاً گسترده‌ای دارد و مجموع مطالب آن در چاپ کنونی مشتمل بر ۶۷۸ صفحه با احتساب مقدمه مصححان محترم و فهرس پایانی متن است و مطالب آن بر اساس فهرست ابتدای کتاب عبارت از مقدمه سهروردی، نه مشرع و فصل‌های متعدد در ذیل هر مشرع است: العلم الأول [فی المنطق] وفیه مشاعر: ۱. «المشرع الأول»: «فی ایساغوجی» (صص ۵-۸۰)؛ ۲. «المشرع الثانی»: «فی المطارحات علی الأقوال الشارحة» (صص ۸۱-۱۱۸)؛ ۳. «المشرع الثالث»: «فی التریب الخبری»

(صص ۱۱۹-۱۹۲)؛ ۴. «المشرع الرابع»: «فی جهات القضا و... العکوس و التناقض» (صص ۱۹۳-۳۰۰)؛ ۵. «المشرع الخامس»: «فی التریب الثانی للحجّة» (صص ۳۰۱-۴۹۶)؛ ۶. «المشرع السادس»: «صفی اصناف ما یحتج به فی الأمور جدلیّة و نحوها»؛ ۷. «المشرع السابع»: «فی مطارحات علی اصناف القضا یا» (صص ۵۳۳-۵۴۴)؛ ۸. «المشرع الثامن»: «فی البرهان و ما یتعلق به» (صص ۵۴۵-۶۳۲)؛ ۹. «المشرع التاسع»: «فی المغالطات» (صص ۶۳۳-۶۶۶).

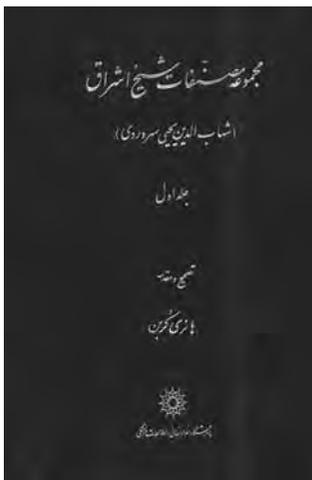
کتاب با مقدمه مصححان محترم آغاز شده و ضمن گزارش از سوانح زندگی سهروردی منابع بسیاری را در شرح حال او معرفی کرده‌اند (ص ۵). به نظر آنها تحریر و تنظیم این کتاب مسبوق به شیوه تألیف ابن‌سینا در کتاب الإشارات و التنبیهات است (همانجا). نیز بخش منطق المباحث و المطارحات را مشتمل بر نوآوری و تحلیل



هانری کرین

انتقادی - تحلیلی دانسته‌اند(همانجا). به گزارش مصححان (ص چهاره)، سهروردی در این کتاب خود را ملتمز به رعایت اصل عدم خروج از موضوع ندانسته و با استناد به سخن او در همان کتاب(ص ۲) غرض سهروردی در تألیف کتاب حاضر را چیزی جز بحث ندانسته‌اند. صورت تألیف این کتاب با منابع شبیه به خود متفاوت است. پس از خطبه، بحث مختصری از تصور و تصدیق کره است (ص ۷). در خلال بحث در این قسمت، منطق را جزو علوم دانسته و نیز آلت علمی که غیر از منطق است (ص ۸). به نظر سهروردی کسانی به غلط منطق را جزء علم مطلق دانسته‌اند در حالی که علم مطلق قائم به جزئیات خود نیست (همانجا). بخش نقد و بررسی آراء مشائیان در بحث «کلی و جزئی» در پاره‌ای از مواضع به تصریح آمده است (برای نمونه: ص ۳۰). سهروردی در مبحث مربوط به تعریف (ص ۹۰) سخنان مهم خود درباره «تعریف» و «حد» مطرح کرده و این بخش از مهم‌ترین بخش‌های کتاب محسوب می‌شود. گستردگی تقسیم قضایا در بخش مربوط به آن در (ص ۱۹۵) است که تنها در نوشته‌های ابن سینا و فارابی نمونه‌هایی از آن دیده می‌شود. از بخش‌های نسبتاً تفصیلی کتاب مباحث مربوط به قیاس و انواع آن است. فصل‌های پایانی هم مربوط به برهان است.

نقد و معرفی کتاب حاضر بدون دسترسی به نسخه‌های مهم نزد مصححان محترم صورت گرفته است. به نظر می‌رسد مطلع کتاب در بخش منطق، هیچ تفاوتی با مطلع بخش الهیات ندارد. احتمالاً مصححان محترم ترجیح داده‌اند خطبه بخش الهیات را در مطلع بخش منطق بیاورند و یا این که نسخ خطی مورد استفاده، شامل خطبه یکسان بوده‌اند. به هر حال بعید به نظر می‌رسد که سهروردی برای هر بخش سه گانه کتاب المشرق و المطارحات خطبه‌ای یکسان نوشته باشد. یکسانی خطب دو بخش منطق در کتاب حاضر و بخش الهیات در چاپ هانری کربن بدین ترتیب است:



بسم الله الرحمن الرحيم
 فهذا كتاب يشتمل على العلوم الثلاثة حررته بحكم اقتراحكم يا إخواني و أوردت فيه مباحث و ضوابط لا توجد في غيره من الكتب نافعة جداً مخرجة مشحذة من تصرفاتي و لم أخرج مع هذا عن مأخذ المشائين كثيراً و إن كنت قد أودعته نكتاً و لطائف تؤمى إلى قواعد شريفة زائد على ما يوردونها و من أنصف وجد بعد تأمل كتب القوم و أفيأ بما لم يف غيره به و من لم يتمهر في العلوم البحثية به فلا سبيل له إلى كتابي الموسوم بحكمة الإشراق و هذا الكتاب ينبغي أن يقرأ قبله و بعد التحقيق المختصر الموسوم بالتلويحات [اللوحية العرشية] فإننا لا نراعى الترتيب ههنا و لا نلتزم في بعض المواضع لموضوع علم، بل غرضنا فيه البحث و إن تأدى إلى قواعد من علوم متفرقة؛ و فإذا أستحکم الباحث هذا النمط فليشرع في الرياضيات المتوهمة بحكم القيم على الإشراق حتى يعاین بعض مباني الإشراق ثم يتم له مباني الأمور (المشرق و المطارحات : بخش منطق، ص ۲۳).

بسم الله الرحمن الرحيم
 هذا كتاب يشتمل على العلوم الثلاثة حررته بحكم اقتراحكم على إخواني و أوردت فيه نافعة جداً مخرجة مشحذة من تصرفاتي و لم أخرج مع هذا عن مأخذ المشائين كثيراً و إن كنت أودعته نكتاً و لطائف تؤمى إلى قواعد شريفة زائدة على ما يوردونها، و من أنصف وجد بعد تأمل كتب القوم و أفيأ بما لم يف غيره به، و من لم يتمهر في العلوم البحثية به فلا سبيل له إلى كتابي الموسوم بحكمة الإشراق و هذا الكتاب ينبغي أن يقرأ قبله و بعد التحقيق المختصر الموسوم بالتلويحات [اللوحية العرشية] فإننا لا نراعى الترتيب ههنا و لا نلتزم في بعض المواضع بموضوع علم، بل غرضنا فيه البحث و إن تأدى إلى قواعد من علوم متفرقة؛ و فإذا أستحکم الباحث هذا النمط فليشرع في الرياضيات المتوهمة بحكم القيم على الإشراق حتى يعاین بعض مباني الإشراق ثم يتم له مباني الأمور (مصنفات : ج ۱، المشرق و المطارحات، ص ۱۹۴).

در حقیقت
 با چاپ بخش منطق
 المشرق و المطارحات
 می‌توان سهروردی را
 فیلسوف کاشف مغالطات
 دانست.

دوستداران فلسفه به معنای عام و دوستداران فلسفه اسلامی به معنای خاص، قدردان زحمات مصححان محترم هستند. کار تصحیح چنین متونی به حسب قدمت و اهمیت و با دقت فراوان، کار ساده‌ای نیست اما در کتاب حاضر همه این خصوصیات جمع شده است. مقدمه مفصل و تطبیق متن مصحح با نسخ گوناگون مورد استفاده، از مزایای برجسته کتاب از حیث پژوهش و تحقیق است که اعتماد مخاطبان را در ارجاع و استناد به آن جلب می‌کند.

پی‌نوشت‌ها

۱. مجموعه مصنفات شیخ اشراق، ج ۱، تصحیح و مقدمه هانری کربن، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۰ ش.
۲. «فهدا کتاب یشتمل علی العلوم الثلاثة» (المشارع و المطارحات: بخش منطق، ص ۲۳؛ همان، مجموعه مصنفات شیخ اشراق، ج ۱، ص ۱۹۴).
۳. مجموعه مصنفات شیخ اشراق، ج ۱، ص ۱۹۳-۵۰۶. خوشبختانه به همت آقای دکتر سید صدرالدین طاهری، بخش الهیات کتاب المشارع و المطارحات به فارسی ترجمه و نیز حاشیه نگاری شده است: شهاب الدین سهروردی، المشارع و المطارحات [بخش الهیات]، ترجمه و حاشیه نگاری سید صدر الدین طاهری، تهران، کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۸۵ ش.
۴. مجموعه مصنفات شیخ اشراق، ج ۲، ص ۱۱-۱۳.
۵. محمد علی ابوریان: «الإشراقیة مدرسة أفلاطونیة إسلامیة». در کتاب التذکری شیخ الإشراق شهاب الدین السهروردی، أشرف علیه و قدّم له إبراهيم مدکور، مصر، ۱۹۳۴ق، ص ۵۱. این مقاله به فارسی ترجمه شده است: حسن سیدعرب، آفاق حکمت سهروردی، تهران، مهرنوشا، ۱۳۸۵ ش، ص ۲۷-۴۵۸. مطلب مذکور از ابوریان در ص ۳۸ این منبع نقل شده است.
۶. همان، ج ۱، ص ۱۹۴.
۷. «هذا کتاب یشتمل علی العلوم الثلاثة حرّرته بحکم اقتراحکم علیّ یا إخوانی و أوردت فیہ مباحث و ضوابط لا توجد فی غیره من الكتب نافعة جداً مخرجة مشخّدة من تصرفاتی و لم أخرج مع هذا عن مأخذ المشائین كثيراً، و إن كنت أودعته کتاً و لطائف تؤمی إلى قواعد شریفة زائد علی ما یوردونها.» (همانجا).
۸. المشارع و المطارحات: بخش منطق، ص ۲۳.
۹. «و من أنصف وجد بعد تأمل کتب القوم وافیاً بما یف غیره به» (همانجا).
۱۰. «و من لم یتمهر فی العلوم البهیة به فلا سبیل له إلى کتابی الموسوم بحکمة الإشراق» (همانجا).
۱۱. «هذا الكتاب ینبغی أن یقرأ قبله [= حکمة الإشراق] و بعد التحقیق المختصر الموسوم بالتلویحات [الوحيّة العرشیة]» (همانجا).
۱۲. «فإننا لا نراعی الترتیب ههنا و لا نلتزم فی بعض المواضع لموضوع علم» (همانجا).
۱۳. «بل غرضنا فیہ البحث» (همانجا).
۱۴. «و إن تأدی إلى قواعد من علوم متفرقة» (همانجا).
۱۵. «و فإذا أستحکم الباحث هذا النمط فلیشرع فی الریاضیات المتوهمة بحکم القیم علی الإشراق» (همانجا).
۱۶. «حتیّ یعاین بعض مبانی الإشراق ثم یتّم له الأمور» (همانجا).
۱۷. «فإن غرضی فی هذا الكتاب المباحثة بحیث لا تبعد عن مأخذ المشائین کلّ البعد» (مصنفات: ج ۱، المشارع و المطارحات، ص ۴۸۳).
۱۸. «السّرّ العظیم الذی لم یزل یعصم مذکور فی کتابنا المشتمل علی حکمة العجیبة المسمى بحکمة الإشراق و تفصیل الأبحاث یطلبین فی المطارحات» (همان: ج ۱، المقامات، ص ۱۹۲).
۱۹. «... و زعم الدهقان أن الفنّ العتیق الذی إطلع منه أرسطو علی المنطق أخذ من خزائن الفرس و كان إسمه بالفهلویة علم تشحید الفكرة و مفتاح العلوم و كان فی حکمة التي دفنها طهمورث من آل فیشداذ. والله أعلم بکیفیه ذلك» المشارع و المطارحات، منطق، صص ۳۱۶-۳۱۷. سهروردی در طرح برخی از مباحث کتاب سعی می‌کند معنای منطق نزد فرس را برای توصیف خود از منطق بکار برد (برای نمونه: ص ۷۷).
۲۰. «فإننا لا نراعی الترتیب ههنا و لا نلتزم فی بعض المواضع لموضوع علم بل غرضنا فیہ البحث و إن تأدی إلى قواعد من علوم متفرقة».